

تراکتور در جدالی نابرابر به شباب الاهلی باخت
واز لیگ نخبگان حذف شد
پایان تور آسیایی!

نازنین دشتی

شکست سهه بر صفر مقابل شباب الاهلی در مرحله یک‌هشتم نهایی لیگ نخبگان آسیا، شاید در نگاه اول یک نتیجه سنگین و دور از انتظار برای تنها نماینده باقی مانده ایران در این رقابت‌ها به نظر برسد. اما برای درک کامل این نتیجه، باید از مستطیل سبز فراتر رفت و به داستانی نگاه کرد که هیچ شباهتی به یک رقابت استاندارد ورزشی نداشت. داستان تراکتور در جده، روایت یک نبرد نابرابر بوده؛ نبردی که از همان ابتدا، نتیجه‌اش خارج از زمین مسابقه تعیین شده بود.

اولین چالش تراکتور، به آمادگی فنی و بدنی این تیم بازمی‌گشت. شرایط خاص کشور در هفته‌های اخیر، باعث شد تیم تیریزی نزدیک به ۴۰ روز از تمرینات منظم و مسابقات رسمی دور بماند. در حالی که رقبای آسیایی در کورن مسابقات داخلی و با آمادگی کامل به مصاف یکدیگر می‌رفتند، تراکتور عملاً از ریمت طبیعی یک تیم حرفه‌ای خارج شده بود. وقتی تیمی برای این مدت طولانی از فضای رقابت دور باشد، انتظار رقابت برابر با تیمی که در اوج آمادگی است، بیشتر شبیه به یک رویاست تا واقعیت. بازیکنان تراکتور، با وجود تمام تلاش‌ها، از نظر بدنی و ذهنی فاصله زیادی با استانداردهای لازم برای یک دیدار حذفی در سطح آسیا داشتند.



اما چالش‌ها به همین جا ختم نشد. مسیر رسیدن به جده، خود یک داستان فرسایشی بود. در حالی که سایر تیم‌های حاضر در این مرحله با پروازهای چارتر و در بهترین شرایط ممکن خود را به محل برگزاری مسابقات رسانده بودند، تراکتور سفری نزدیک به ۴۰ ساعت را پشت سر گذاشت. این سفر شامل ترکیبی از مسیرهای زمینی و هوایی بوده؛ از تهران به تبریز، از تبریز به وان، سپس پرواز به استانبول و در نهایت پرواز به جده. بازیکنان تراکتور، با بدنی خسته و ذهنی فرسوده‌وار در این مسابقه شنده؛ شرایطی که هر گونه امید به رقابت برابر را از بین می‌برد.

با وجود تمام این مشکلات، تیم محمد ربیعی مسابقه را با انگیزه و قدرت آغاز کرد. به خصوص در نیمه اول، تراکتوری‌ها توانستند با یک بازی منسجم و دفاعی، به خوبی حریف اماراتی را کنترل کنند و حتی موقعیت‌هایی نیز خلق کردند. اما در دقیقه ۵۲، اتفاقی رخ داد که آخرین میخ را بر تابوت امیدهای تراکتور کوبید. اخراج علیرضا بیرانوند، دروازه‌بان کلیدی تیم، باعث شد تا تراکتور مجبور شود بیش از ۴۰ دقیقه باقی مانده را با یک بازیکن کمتر ادامه دهد. در این لحظه، معادله کاملاً نابرابر شد؛ تیمی که ۴۰ روز تمرین نکرده بود و ۴۰ ساعت در راه بوده، حالا باید ۴۰ دقیقه هم با یک پارکتر بازی می‌کرد. این مجموعه از اتفاقات، شرایطی را رقم زد که هر تیمی را از پادر می‌آورد.

با این حال، نمایش تراکتور در نیمه اول، به خوبی نشان داد که اگر شرایط نرمال بود و خبری از این مشکلات لجستیکی و آمادگی نبود، شاید این تیم می‌توانست یک رقابت سخت و نفس‌گیر را با حریف اماراتی داشته باشد. شکست سه بر صفر مقابل شباب الاهلی، در واقع بازتابی از یک نبرد نابرابر بود. تراکتور نه به دلیل ضعف فنی محض، بلکه به دلیل مجموعه‌ای از چالش‌های خارج از کنترل، از دور رقابت‌ها حذف شد.

بازی تراکتور مقابل شباب‌الاهلی، اگرچه با شکست تلخ برای تیم تهریزی به پایان رسید، اما برای دروازه‌بان سوندی این تیم، مارکو یوهانسون، شاید آخرین پرده از یک ماجرای کوتاه سود. پس از اخراج ناگهانی علیرضا بیرانوند در دقیقه ۵۲، یوهانسون مجبور شد برای دومین بار با پیراهن تراکتور درون دروازه قرار گیرد. او در این مدت کوتاه، با وجود چند واکنش خوب، در نهایت تسلیم سه گل شد و نتوانست مانع شکست تیمش شود.

داستان حضور یوهانسون در تراکتور از ابتدا با اما و اگر همراه بود. او در ابتدای فصل به عنوان جانشین بیرانوند جذب شد که با حکم محرومیت چهار ماهه مواجه بود. اما درست پس از اولین بازی یوهانسون، حکم توقف اجرای محرومیت بیرانوند صادر شد و او به سرعت به دروازه بازگشت. این اتفاق، عملکردش یوهانسون را به یک ذخیره صرف تقلیل داد. حالا با توجه به اینکه رقابت‌ها تعطیل شده و یوهانسون به کشورش بازگشته، این احتمال قوت گرفته که بازی مقابل شباب‌الاهلی آخرین حضور او در ترکیب تراکتور بوده باشد. این حضور کوتاه، فصلی پر فراز و نشیب و شاید ناتمام برای دروازه‌بان سابق اینتراخت برانش‌وایگ در فوتبال ایران رقم زد.

با ایلنا همراه شوید

خبرگزاری کار ایران «ایلنا»

صاحب‌امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیرمسئول: مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

روبای کاتالان‌ها در آتش مادرید خاکستر شد!

شب جنون و تراژدی

یکی در مسیر جاودانگی قدم برداشت و دیگری در هزارتوی تردیهاگم شد.

آر پاروی

لیگ قهرمانان اروپا همواره بی‌رحم‌ترین صحنه نمایش برای آرزوهای بزرگ بوده است؛ جایی که یک لغزش کوچک، یک ثانیه غفلت یا یک تصمیم اشتباه، می‌تواند تمام رشته‌های یک فصل را در کسری از ثانیه پنبه کند. سه‌شنبه‌شب ورزشگاه متروپولیتانو دقیقاً تجلی‌گاه همین بی‌رحمی مطلق بود. نبرد اتلتیکومادرید و بارسلونا در مرحله یک‌چهارم نهایی، چیزی فراتر از یک مسابقه فوتبال و در واقع یک جنگ تمام‌عیار گلاباتوری برای بقا بود. بارسلونا که با استرسی پنهان پایه‌مادرید گذاشته بود، می‌دانست که در مقابل ارتش سر تا پا انگیزه میزبان، حق هیچ‌گونه اشتباهی ندارد؛ اما در فوتبال، گاهی سناریو‌ها به دراماتیک‌ترین شکل ممکن نوشته می‌شوند و همه چیز بر خلاف پیش‌بینی‌ها رقم می‌خورد.

نقطه عطف این تراژدی برای کاتالان‌ها، نه با یک شوت سهمگین از سوی حریف، بلکه با یک اشتباه مرگبار از سوی خودی‌رقم‌خورد. کارت قرمز مستقیم و اخراج اریک گارسیا، درست در لحظاتی که بارسلونا به دنبال پیدا کردن روزنه‌ای در خط دفاعی، سوخ‌ناپذیر اتلتیکو بود، همچون آب سردی بر پیکر هانسی فلیک و شاگردانش ریخته شد. در سطح اول فوتبال اروپا، ۱۰ نفره شدن آن هم مقابل تیمی که تخصص فشردن گلولی حریفان ز خمینی است، حکم یک خودکشی تدریجی را دارد. با خروج گارسیا، شیرازه تاکتیکی بارسا با هم پاشید، نظم تیمی جای خود را به سراسیمگی داد و وزن‌های روانی بازی به‌طور کامل به سود شاگردان سیمئونه سنگینی کرد.

اتلتیکومادرید که به‌خوبی بوی خون را حس کرده بود، با مصوری و فرصت‌طلبی خاص سرمربی‌اش جلو کشید. آنها می‌دانستند که بارسلونای ۱۰ نفره، زیر فشار بی‌امان سکو‌ها، در یازدهم‌دقیقه فیزیکی و ذهنی تخلیه خواهد شد. در نهایت، این آدمولا لومکن و ذهنی که با یک ضربه زهر آگین و جای‌گیری فوق‌العاده، دروازه بلوگران را فرو ریخت تا سند صعودی بلاکو امضا کنند. این گل تنها یک برتری روی تابلوی نتایج نبود، بلکه شلیک نهایی به قلب امید‌ها بارسلونا برای بازگشت به قله اروپا محسوب می‌شد. پس از سوت پایان، چهره در هم‌شکسته بازیکنان و صحبت‌های تلخ فرنیکی دی‌بونگ که با صراحت اعتراف کرد «با یک پارکتر، تقلاً در این سطح غیرممکن است»، عمق فاجعه را استیصال را برای هواداران بارسابه‌تصویر کشید.

حالا گرد و خاک این نبرد بزرگ فرو نشسته و دو مرد با دو سرنوشت کاملاً متفاوت روی خطوط موازی ایستاده‌اند. در یک سو، دیگو سیمئونه قرار دارد که با ارتش وفادارش یک بار دیگر بزرگی کرده و در رویای فتح جامی است که سال‌هاست به او چشمک می‌زند. در سوی دیگر، هانسی فلیک ایستاده است؛ مردی که ماشین هجومی‌اش در اسپانیا بی‌رقیب می‌تازد، اما در اروپا بار دیگر به بن‌بست رسید و نتوانست طلسم ناگامی‌های قاره‌ای بارسلونا را باطل کند. در ادامه، نگاهی عمیق‌تر به تراژدی‌ها داشتیم که به داستان این دوسرمربی در شبی که

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپنر، پلاک ۱۳۲
نشانی سایت: toseirani.ir
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
اینستاگرام: @tosee_irani

toseirani.ir



نهاده‌ینه نشده است.
سسال گذشته هم قصه همین بود. یک ناکامی دیگر، یک حسرت دیگر و حالا برای دومین سال پایپی، دستان فلیک از جام گوش‌دراز کوتاه مانده است. پارادوکس هانسی فلیک همین جاست؛ او چگونه می‌تواند تیمی تا این حد مقتدر در اسپانیا بسازد، اما در اروپا نتواند از پس گردنه‌های سخت عبور کند؟ آیا مشکل از تاکتیک‌های اوست که در اروپا خوانده شده است؟ یا مشکل به فشاری برمی‌گردد که پیراهن بارسلونا در مسابقات اروپایی به بازیکن تحمیل می‌کند؟

قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا نیاز به ویژگی‌های خاصی دارد؛ نیاز به توانایی مدیریت لحظات بحرانی، کنترل احساسات در چمن ورزشگاه‌های حریف و البته کمی هم شانس. فلیک در باین نشان داده بود که این ویژگی‌ها را دارد، اما در بارسا، او با تیمی روبه‌روست که ارواح کامبک‌های تلخ سالیان گذشته (رم، لیورپول، بایرن، پاریس) هنوز در خنک‌ان پر سرسه می‌زنند. مربی آلمانی هنوز نتوانسته این طلسم روانی را بشکند و ذهنیت ترس‌خوره بارسا در اروپا را در مان کند.

قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا نیاز به ویژگی‌های خاصی دارد؛ نیاز به توانایی مدیریت لحظات بحرانی، کنترل احساسات در چمن ورزشگاه‌های حریف و البته کمی هم شانس. فلیک در باین نشان داده بود که این ویژگی‌ها را دارد، اما در بارسا، او با تیمی روبه‌روست که ارواح کامبک‌های تلخ سالیان گذشته (رم، لیورپول، بایرن، پاریس) هنوز در خنک‌ان پر سرسه می‌زنند. مربی آلمانی هنوز نتوانسته این طلسم روانی را بشکند و ذهنیت ترس‌خوره بارسا در اروپا را در مان کند.

قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا نیاز به ویژگی‌های خاصی دارد؛ نیاز به توانایی مدیریت لحظات بحرانی، کنترل احساسات در چمن ورزشگاه‌های حریف و البته کمی هم شانس. فلیک در باین نشان داده بود که این ویژگی‌ها را دارد، اما در بارسا، او با تیمی روبه‌روست که ارواح کامبک‌های تلخ سالیان گذشته (رم، لیورپول، بایرن، پاریس) هنوز در خنک‌ان پر سرسه می‌زنند. مربی آلمانی هنوز نتوانسته این طلسم روانی را بشکند و ذهنیت ترس‌خوره بارسا در اروپا را در مان کند.

حذف بارسلونا در یک چهارم نهایی آن هم پس از شکست در بازی رفت، بار دیگر نشان داد که قلب تپنده روخی بلاتکوبا چه قدرتی می‌کوبد. وقتی تیمت هدفی جز پیروزی ندارد، وقتی فشار روانی بالاست، این کار بزما می‌ربی است که به ساق‌های خسته بازیکنان قدرت می‌بخشد

فلیک مربی بزرگی است و موفقیت‌هایش در لالیگالیگال ستایش است. اما تاریخ بارسلونایی‌رحم است. در این باشگاه، موفقیت‌های داخلی خیلی زود به فراموشی سپرده می‌شوند؛ اگر با افتخار آفرینی در اروپا هم‌اها نشوند، ساعت شنی برای هانسی فلیک در حال تیک‌تاک است. او باید راهی پیدا کند تا این غول خفته را در اروپا بیدار کند. باید تیمش را از نظر ذهنی به سطحی برساند که در شب‌های سخت، با اخراج یک یا یک گل خورده، تسلیم نشود. قهرمانی در لالیگا شیرین است، اما تا زمانی که فلیک نتواند بارسلونا را بام اروپا بشناسد، همیشه علامت سوال بزرگی مقابل نام او در تاریخ این باشگاه وجود خواهد داشت. هواداران می‌پرسند فلیک چه زمانی این افتخار را برای ما به ارمان می‌آورد؟ پاسخی که شاید آینده‌شاعلی در کاتالونیا را رقم زند.

کلبوس روان‌شناختی تبدیل شده است. هانسی فلیک زمانی که روی نیمکت بلوگران نشست، ماموریتی واضح داشت: بازگرداندن شوکه از دست رفته بارسا در هر دو جبهه داخلی و اروپایی. مرد آلمانی که با باین مونیخ شش‌گانه تاریخی را فتح کرده بود، به نظر می‌رسید همان حلقه گمشده‌ای است که کاتالان‌ها به آن نیاز دارند. او آمد، تیم‌را از نو ساخت، به جوانان لاماسیا اعتماد کرد و یک ماشین هجومی و پراگنر در اسپانیا خلق کرد. اما داستان او در بارسلونا، تا به امروز داستان دو روی یک سکه است؛ پادشاهی مطلق در لالیگا و سر درگمی و ناکامی در اروپا.

در مسابقات داخلی اسپانیا، فلیک تیمی رویایی ساخته است. تیمی که چشم‌نواز بازی می‌کند، حریفان را برپس‌های سنگین و حملات همه‌جانبه خفه می‌کند و امتیازات را یکی پس از دیگری جمع‌آوری می‌کند. قهرمانی در لالیگا برای هواداران بارسالارزش زیادی دارد؛ نشان‌دهنده ثبات و قدرت تیم در یک مارا تن ۸ هفته‌ای است. فلیک ثابت کرده که می‌تواند در طول یک فصل طولانی، تیمی منسجم و بی‌رحم را رهبری کند. اما در نیوکمپ، قهرمانی در لالیگا هرگز کافی نبوده است. هواداران بارسا با خاطرات جادوی مسی، نبوغ زاوی و اینیستا و شب‌های جادویی لیگ قهرمانان زندگی می‌کنند. برای آنها، عیار واقعی یک مربی در شب‌های داغ و پر استرس اروپایی سنجیده می‌شود؛ جایی که فلیک برای دومین سال متوالی، طعم تلخ ناکامی را چشید.

حذف مقابل اتلتیکومادرید، چکیده‌ای از تمام مشکلات روان‌شناختی بارسا در اروپا بود. تیمی که بسازی خانگی را بسته، اما در بازی برگشت، شش‌رویی رویایی داد و خیلی زود به مسابقه برمی‌گردد؛ اما با کوچک‌ترین لغزشی شیرازه از هم می‌پاشد. کارت قرمز اریک گارسیا، تنها یک اتفاق فووتبالی نبود؛ حرفه‌ای بود که تمام ترس‌ها و اضطراب‌های پنهان بارسا در رقابت‌های اروپایی را شعلهور کرد. تیمی که در لالیگا با اعتماد با نفس کامل بسازی می‌کند، در اروپا به محض دریافت یک ضربه، دچار فروپاشی عصبی می‌شود. اینجا دیگر تاکتیک‌ها به تنهایی جواب نمی‌دهند؛ اینجا نیاز به ذهنیت برنده‌ای است که به نظر می‌رسد هنوز در کالبد این تیم فلیک

فلیک مربی بزرگی است و موفقیت‌هایش در لالیگاقابل ستایش است. اما تاریخ بارسلونایی‌رحم است. در این باشگاه، موفقیت‌های داخلی خیلی زود به فراموشی سپرده می‌شوند؛ اگر با افتخار آفرینی در اروپا هم‌راهمرمان نشوند، هانسی فلیک باید راهی پیدا کند تا این غول خفته را در اروپا بیدار کند

در لیگ قهرمانان را از یک رویا، به یک رویتن هر ساله برای باشگاه تبدیل کرد.

و حالا، در آوریل ۲۰۲۶، اتلتیکوی او بار دیگر دست به کار بزرگی زده است. حذف بارسلونا در یک چهارم نهایی آن هم پس از شکست در بازی رفت، بار دیگر نشان داد که قلب تپنده روخی بلاکو با چقدر قدرتی می‌کوبد. این فقط یک پیروزی تاکتیکی نبود؛ یک پیروزی روانی بود. وقتی تیمت هدفی جز پیروزی ندارد، وقتی فشار روانی بالاست، این کار بزما می‌ربی است که به ساق‌های خسته بازیکنان قدرت می‌بخشد. سیمئونه می‌داند که با یک تاریخ فوتبال مدرن است.

بازیکن حریف (اریک گارسیا) بالاترین بهره را برید و چگونه بسا گل آدمولا کمن، تیر خلاص را بر پیکر حریف شلیک کند. امسال احساس متفاوتی در متروپولیتانو جریان دارد. شاید امسال، همان سال موعود باشد. شاید پس از سال‌ها جنگیدن با دست‌خالی مقابل غول‌های ثروتمند اروپا، پس از آن همه دل‌شکستگی در فینال‌ها، حالا زمان آن رسیده که فوتبال روی خوشش را به دیگو پابلو سیمئونه نشان دهد. اگر او بتواند امسال فاتح لیگ قهرمانان شود، دیگر تنها یک مربی موفق نخواهد بود؛ او به یک اسطوره جاودانه و دست‌نیافتنی در تاریخ فوتبال تبدیل می‌شود. مردی که ثابت کرد با ایمان، کار سخت و کمی جنون، می‌توان بر هر قله‌ای ایستاد. آیا خدایان فوتبال بالاخره به ال چولوی لبخند خواهند زد؟

غریبه‌ای در اروپا

بارسلونا و لیگ قهرمانان اروپا؛ این رابطه‌ای است که سال‌هاست از یک عشق پر شور به یک

در حالی که شاید به‌خوبی بوی خون را حس کرده بود، با مصوری و فرصت‌طلبی خاص سرمربی‌اش جلو کشید. آنها می‌دانستند که بارسلونای ۱۰ نفره، زیر فشار بی‌امان سکو‌ها، در یازدهم‌دقیقه فیزیکی و ذهنی تخلیه خواهد شد. در نهایت، این آدمولا لومکن و ذهنی که با یک ضربه زهر آگین و جای‌گیری فوق‌العاده، دروازه بلوگران را فرو ریخت تا سند صعودی بلاکو امضا کنند. این گل تنها یک برتری روی تابلوی نتایج نبود، بلکه شلیک نهایی به قلب امید‌ها بارسلونا برای بازگشت به قله اروپا محسوب می‌شد. پس از سوت پایان، چهره در هم‌شکسته بازیکنان و صحبت‌های تلخ فرنیکی دی‌بونگ که با صراحت اعتراف کرد «با یک پارکتر، تقلاً در این سطح غیرممکن است»، عمق فاجعه را استیصال را برای هواداران بارسابه‌تصویر کشید.

حالا گرد و خاک این نبرد بزرگ فرو نشسته و دو مرد با دو سرنوشت کاملاً متفاوت روی خطوط موازی ایستاده‌اند. در یک سو، دیگو سیمئونه قرار دارد که با ارتش وفادارش یک بار دیگر بزرگی کرده و در رویای فتح جامی است که سال‌هاست به او چشمک می‌زند. در سوی دیگر، هانسی فلیک ایستاده است؛ مردی که ماشین هجومی‌اش در اسپانیا بی‌رقیب می‌تازد، اما در اروپا بار دیگر به بن‌بست رسید و نتوانست طلسم ناگامی‌های قاره‌ای بارسلونا را باطل کند. در ادامه، نگاهی عمیق‌تر به تراژدی‌ها داشتیم که به داستان این دوسرمربی در شبی که

آماده‌سازی تیم ملی به‌وزیر ورزش ارائه شده است. این برنامه فشرده که قرار است از چند هفته آینده آغاز شود، نیاز به تمرکز کامل دارد. همین موضوع باعث شده یک تصمیم کلیدی در دستور کار قرار گیرد: دان اولویت مطلق به تیم ملی، حتی به قیمت تعطیلی لیگ. واقعیت این است که فاصله تا جام جهانی بسیار کوتاه‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد. تیم ملی نیاز به اردوهای طولانی مدت، هماهنگی بیشتر و برنامه‌ریزی دقیق در شرایطی که با برگزاری هم‌زمان لیگ عملاً امکان‌پذیر نیست، به همین دلیل، این جمع‌بندی شکل گرفته که ادامه لیگ می‌تواند به برنامه‌های تیم ملی لطمه بزند. طبق اطلاعات رسیده، باقلعه‌ای جدید در این سال‌ها به‌تعمیر می‌پردازد. در حالی که قرار است به مدت ۲۰ روز ادامه داشته باشد. این اردو را باید نقطه شروع واقعی پروژه جام جهانی دانست؛ جایی که کادرفنی فرصت خواهد داشت بدون دغدغه مسابقات لیگ، روی مسائل فنی، بدنی و هماهنگی تیم کار کند. در واقع، این اولین بار در ماه‌های اخیر است که تیم ملی می‌تواند با تمرکز کامل و در یک بازه زمانی مناسب، برنامه‌هایش را پیش‌برده؛ موضوعی که در مسیر آماده‌سازی برای تورنمنتی مثل جام جهانی، اهمیت بسیار زیادی دارد.

درست در میانه این بلاتکلیفی و در حالی که سرنوشت لیگ برتر به اولویت تیم ملی گره خورده بود، یک خبر شوک‌آور دیگر فضای فوتبال ایران را به لرزه درآورد. بر اساس نامه‌ای که روز گذشته رسانه‌ای شد، دو باشگاه سپاهان و فولاد خوزستان اطلاع‌ناوای اجازه حضور در هیچ‌یک از مسابقات رسمی را نخواهند داشت. این تصمیم در پی آسیب‌هایی که در جریان حملات دشمن به زیرساخت‌های صنعتی کشور وارد شده، اتخاذ شد. این دو باشگاه، به عنوان نمایندگان اصلی صنایع بزرگ کشور، به‌طور مستقیم تحت تاثیر شرایط به‌وجودآمده قرار گرفته بودند و فعالیت شرکت‌های پشتیبانی آنها با اختلال مواجه شده بود. وزارت صمت اعلام کرده بود تا زمان بازگشت شرایط به حالت عادی و از سرگیری فعالیت‌های صنعتی، امکان حضور این دو تیم در رقابت‌ها وجود ندارد. ابعداد این تصمیم فراتر از حذف موقت این دو تیم بود. سپاهان و فولاد، دو ضلع مهم از ساختار رقابتی لیگ برتر محسوب می‌شوند و کنار رفتن آنها عملاً تعادل مسابقات را به هم می‌زد. این نامه می‌توانست تاثیر مستقیمی بر تصمیم‌گیری سازمان لیگ در باره ادامه مسابقات داشته باشد؛ سناریوهایی مثل تعویق کامل لیگ، توقف موقت یا حتی لغو ادامه رقابت‌ها را پیش از هر زمان دیگری جدی شده بودند. کنار رفتن دو تیم بزرگ و شرایط خاص کشور، لیگ برتر را در وضعیتي قرار می‌داد که هیچ سناریویی دور از ذهن نبود.